

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

همگام با حدیث شریف

صلاحیت‌های خلیفه

(ترجمه)

امام بخاری در صحیح خود حدیثی در این خصوص روایت نموده است:

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ بَعْثًا وَأَمَرَ عَلَيْهِمْ أُسَامَةَ بْنَ زَيْدٍ فَطَعَنَ النَّاسُ فِي إِمَارَتِهِ، فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: "إِنْ تَطَعْتُمْ فِي إِمَارَتِهِ فَقَدْ كُنْتُمْ تَطَعُونَ فِي إِمَارَةِ أَبِيهِ مِنْ قَبْلُ وَأَيْمُ اللَّهِ إِنْ كَانَ لَخَلِيفًا لِلْإِمَارَةِ وَإِنْ كَانَ لَمِنْ أَحَبِّ النَّاسِ إِلَيَّ وَإِنْ هَذَا لَمِنْ أَحَبِّ النَّاسِ إِلَيَّ بَعْدَهُ»

ترجمه: از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم لشکری فرستاد و اسامه بن زید را بر آن امیر گردانید. مردم در امارت وی طعنه زدند. رسول الله صلی الله علیه وسلم ایستاد و گفت: اگر شما در امیر بودن وی طعنه می‌زنید، در امیر بودن پدر وی قبل از این نیز طعنه می‌زدید و به الله (سبحانه و تعالی) سوگند که وی سزاوار امارت و او (زید) از دوست داشتنی‌ترین مردم نزد من بود و این (اسامه) نیز پس از وی دوست داشتنی‌ترین مردم نزد من است.

این بود عملکرد رسول الله صلی الله علیه وسلم به عنوان اولین رئیس دولت اسلامی، که خودش امیر لشکر را تعیین می‌نماید. آنچه از این حدیث استدلال می‌شود اینکه رئیس دولت در اسلام (خلیفه) عبارت از رهبر لشکر به شکل عملی است، نه این که تنها فرمانده اعلی برای لشکر باشد؛ زیرا قیادت او برای لشکر، به صورت نمادین نیست و قیادت لشکر یکی از صلاحیت‌های خلیفه است، در غیر آن صلاحیت‌های خلیفه فراوان است که در موارد زیر خلاصه می‌شود:

1- خلیفه کسی است که احکام شرعی لازم را برای رعایت امور امت که با اجتهاد از کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم استنباط شده باشد تبنی می‌کند و این احکام با تبنی وی، از جمله قوانینی می‌گردد که اطاعت از آن واجب و مخالفت آن جواز ندارد و دلیل آن اجماع صحابه است. زمانی که ابوبکر صدیق رضی الله عنه به خلافت رسید، دیدگاه وی این بود که اموال در میان مسلمانان باید به صورت مساویانه توزیع شود؛ زیرا آن اموال حق همه به صورت مساویانه است و عمر به این نظر بود که درست نیست برای کسی که در مقابل رسول الله جنگ کرده، مساوی به آن کسی داده شود که هم‌کاب رسول الله صلی الله علیه وسلم جنگیده است و درست نیست که برای فقیر چیزی مانند غنی داده شود. اما ابوبکر خلیفه بود و دستور داد تا به دیدگاه او عمل کرده شود. یعنی توزیع اموال را در میان مسلمانان به صورت مساویانه تبنی کرد و بقیه مسلمانان در این امر از وی متابعت نمودند، قضات و والیان بر همان روش به پیش رفتند و عمر تسلیم او شد و به نظر ابوبکر عمل کرد و آن را اجرا نمود. هنگامی که عمر خلافت را به دست گرفت، نظری مخالف با نظر ابوبکر تبنی کرد، یعنی دستور به تقسیم پول به طور متفاوت؛ نه به طور مساوی. بعد از آن اموال بر حسب قدامت در اسلام و نیاز اشخاص داده شد و مسلمانان از آن پیروی کردند و والیان و قضات به آن عمل کردند. بناءً بین اصحاب اجماع بود بر این که امام یعنی خلیفه می‌تواند که احکام معین

برگرفته از شریعت را با اجتهاد صحیح تبیین کند و به عمل به آن احکام به مسلمانان دستور دهد و بر مسلمانان واجب است حتی اگر با اجتهادشان منافات داشته باشد، از آن اطاعت کنند و از عمل به نظر و اجتهاد خود دست بردارند.

2- او مسئول سیاست داخلی و خارجی دولت باهم است و اوست که فرماندهی لشکر را بر عهده دارد و حق اعلام جنگ و انعقاد صلح، آتش‌بس و سایر معاهدات را دارد و دلیل آن عملکرد رسول الله صلی الله علیه وسلم است؛ زیرا همه این کارها را خودش انجام می‌داد و یا شخصی را برای انجام آن‌ها می‌گماشت؛ همانطور که برای انجام کارهای اداری افراد را استخدام می‌کرد، معاونین، فرمانداران و قضات تعیین می‌نمود، آن‌ها را محاسبه کرده، بر خرید و فروش، توزیع اموال و کمک به بیکاران برای یافتن شغل برای آن‌ها مراقبت و سایر امور داخلی نظارت می‌کرد. هم‌چنین خطاب به پادشاهان و پذیرفتن هیأت‌ها و سایر امور خارجی و غزوات را خودش رهبری می‌کرد و سریه‌ها را می‌فرستاد و فرماندهان آن‌ها را تعیین می‌کرد که نشان می‌دهد او فرمانده واقعی لشکر بود، نه تنها فرماندهٔ اعلیٰ. بنابراین، اعلان جنگ کرد و آتش‌بس و معاهدات منعقد نمود که نشان می‌دهد همه این اقدامات در اختیار خلیفه است.

3- اوست که حق قبول و رد سفیران خارجی و تعیین و عزل سفیران مسلمین را دارد. دلیل آن عمل رسول الله صلی الله علیه وسلم است. رسول الله صلی الله علیه وسلم با مسیلمه و ابورافع دو فرستاده‌ای قریش ملاقات نمود و او صلی الله علیه وسلم بود که برای هرقل، خسرو، مقوقس، حارث غسانی، حارث حمیری پادشاه یمن و نجاشی و بقیه پادشاهان فرستادگانی را فرستاد. چنانکه عثمان بن عفان را به عنوان فرستاده‌ای برای قریش فرستاد که نشان می‌دهد خلیفه همان کسی است که سفیران را تعیین می‌کند، از جاهای دیگر آنان را می‌پذیرد یا رد می‌کند.

4- او معاونین و والی‌ها را تعیین و عزل می‌کند و همگی در برابر او پاسخگو هستند، هم‌چنان که در برابر مجلس امت مسئول می‌باشند. دلیل آن عملکرد رسول الله صلی الله علیه وسلم است، چنان که ابوبکر و عمر را معاونین خود قرار داد و چنانکه والیان را تعیین نمود. آنان را محاسبه کرد و عده‌ای را عزل و برکنار نمود، علاء بن حضرمی را از دولت بحرین برکنار کرد و ابن طیبیه را به خاطر پذیرفتن هدایا هنگامی که او را به عنوان مؤظف جمع‌آوری صدقه فرستاد، محاسبه نمود.

5- اوست که قاضی القضاات و دیگر قضات را تعیین و عزل می‌کند، به استثنای قاضی مظالم که او را خلیفه تعیین می‌کند، ولی عزل او دارای محدودیت‌هاست. اوست که مدیران ادارات، رهبران لشکر، رؤسای ارکان و امیران ولایات را تعیین و عزل می‌نماید و تمام آن‌ها در برابر او پاسخگو هستند، نه در برابر مجلس امت. دلیل آن عملکرد رسول الله صلی الله علیه وسلم است که قاضی تعیین کرد. از جمله علی بن ابی طالب و ابوموسی اشعری و فرماندهان لشکرها و سریه‌ها از جمله اسامه بن زید و حمزه بن عبدالمطلب.

6- او احکام شرعی را که بر اساس آن بودجهٔ دولت تنظیم می‌شود، تبیین می‌کند و اوست که در مورد فصول بودجه و مبالغی که برای هر یک از طرفین لازم است، خواه مربوط به درآمدها یا هزینه‌ها، تصمیم‌گیری می‌کند. دلیل آن اجماع صحابه است. خلیفهٔ راشد ابوبکر صدیق چنین کرد، هم‌چنان که خلیفهٔ مسلمانان عمر بن خطاب انجام داد و هیچ‌یک از صحابه آن را انکار نکردند، هر چند اعمالی این چنینی (در صورتی که منکر می‌بود) مورد انکار قرار می‌گرفت، پس این اجماع شمرده می‌شود.

آنچه از عملکرد رسول الله صلی الله علیه وسلم به عنوان حاکم و اجماع صحابه بر اعمال خلفای راشدین پس از او گذشت، معلوم می‌شود که خلیفه همان کسی است که تمام اختیارات حکومت را دارد. او ولی امر مسلمانان و حافظ مصالح آنان است. او تمام اختیاراتی را دارد که او را قادر می‌سازد مسئولیت خود را در قیومیت و مراقبت انجام دهد.

این حکم الله سبحانه و تعالی است و هیچ‌کس نمی‌تواند به آن اعتراض یا انتقاد کند؛ زیرا چه کسی بهتر از الله متعال خالق و پروردگار انسان به آنچه صلاح امت است بهتر می‌داند؟ با این حال، منافع آن اختیارات وسیع خلیفه زمانی نمایان می‌شود که ان‌شاء الله به زودی خلافت بازگردد. خلیفه به امور امت رسیدگی می‌کند. او مسئول هر بزرگ و کوچک، که در ذاتش پسندیده باشد، شناخته می‌شود، امت او را مورد بازخواست و محاسبه قرار می‌دهند. حقوق مردم در میان بسیاری از مقامات، که هر کدام دیگران را مقصر بدانند، ضایع نمی‌شود؛ زیرا حقوق ضایع می‌شود و افراد غافل پاسخگو نمی‌باشند. بنابراین، بی‌عدالتی و فساد گسترش می‌یابد، همانطور که امروز در سیستم‌های دموکراتیک کاربردی در جهان از جمله جهان اسلام ما وجود دارد.

پروردگارا برای ما خلیفه‌ای به زودی عنایت کن تا به امور ما رسیدگی کند، نصیحت ما را بشنود و پاسخگویی و بازخواست ما را بپذیرد تا دیگر جایی برای بی‌عدالتی و فساد نباشد. امنیت، آرامش و امان در امتی که از دیرباز تحت ظلم، وحشت و ستم قرار گرفته است و با چشمانی سرشار از امید به الله مهربان و بخشنده، چشم به راه روز نجات خود است حاکم گردد! آمین!

مترجم: احمدصادق امین